

## آیا برجام به سرانجام می‌رسد؟

درک شرائط پس از برجام برای کارگران و زحمتکشان ضروری است.

علیرضا ثقفی

پس از مدت‌ها کشمکش و رفت و آمد میان نمایندگان ایران و گروه ۱+۵ یعنی کشورهای فرانسه، انگلیس، امریکا، روسیه و چین به علاوه آلمان برای رفع موانع بر سر اجرای توافقات انجام گرفته در مورد برنامه اتمی ایران، بالاخره بیانیه‌ای پخش شد که کشورهای ۱+۵ اعلام کردند مانعی بر سر مبادلات بانکی با ایران نیست به شرطی که قوانین رسمی رعایت شود و با یک موخره که نمی‌توان کشورها و موسسات را مجبور به معامله با ایران کرد و بانک‌ها و موسسات اقتصادی در تصمیمات خود آزادند... (اخبار ساعت ۹ شب شبکه اول ۹۵/۲/۳۱).

ظاهراً تحریم‌ها برداشته شده و اعلام می‌شود که مانعی نیست اما با "رعایت قوانین". این جمله یادآور بسیاری از قوانین مصوب در نظام سرمایه داری است که به عنوان مثال همواره داشته ایم "احزاب آزادند با "رعایت قوانین" و یا مطبوعات آزادند با "رعایت قوانین". این "رعایت قوانین" از آن جمله‌های عجیب دست و پا گیر نظام سرمایه داری است که می‌توان با تکیه به آن بدترین سانسورها و بدترین موانع را بر سر راه آزادی از هر نوعش قرار داد که این امر البته در اختیار نظام سرمایه داری و دولت‌های مختلف است که این قوانین چگونه باشد. یعنی هر کشور یا موسسه‌ای می‌تواند با تصویب قوانین و یا بخش‌نامه‌ای، هر گونه که بخواهد داد و ستد با ایران را محدود کند. یعنی آنکه تحریم‌های بین‌المللی و توافقی برداشته شده است و اکنون این کشورها و موسسات هستند که باید ایران روابط خود را با آنها تنظیم کند. علاوه بر آن به دنبال آن آمده است که نمی‌توان موسسات اقتصادی را مجبور به ارتباط با کشوری کرد... که این جمله تکمیل کننده جمله قبل است. یعنی باید راه زیادی بروند تا کشورها را تشویق به تعامل اقتصادی کنند و راه زیادی هم وجود دارد که سرمایه‌ها راغب به همکاری بشوند که البته این راه‌ها در مفهوم سرمایه دارانه چیزی جز امتیازات ویژه و به حراج گذاشتن منابع یک کشور و نیروی کار آن نیست ...

اما این دو مانع را چگونه در دنیای امروزی حاکمیت سرمایه بر تمام شئون اقتصادی و سیاسی بر طرف می‌کنند؟

اول آنکه این نظام مجموعه ای در دسترس دارند که به طور خود کار نظام سرمایه داری تصمیم گیرندگان اقتصادی را در آن چارچوب قرار می‌دهد. ابتدا امنیت سرمایه است که مقدم بر نرخ سودها است. زیرا که اگر هر چند نرخ سود، بالای معمول هم باشد ولی سرمایه امنیت نداشته باشد، رغبتی به سرمایه گذاری نخواهد بود. سرمایه گذار می‌خواهد اطمینان داشته باشد که مورد تهاجم قرار نخواهد گرفت و کارشناسان و مستخدمانش از امنیت اولیه برخوردار باشند. سودش تضمین شده باشد و یک مقبولیت عمومی در جامعه سرمایه داری برای آن وجود داشته باشد.

بی جهت نیست که محافلی در ایران تلاش می‌کنند افراد وارد شده به ایران چه با ملیت ایرانی یا با ملیت‌های دوگانه را تحت واری موشکافانه قرار داده برای آنان پرونده سازی کنند و رسانه‌های نظام سرمایه داری هم همین موارد را در بوق و کرنا کنند تا موسسات اقتصادی را متوجه شرایط حاکم بر ایران نمایند. از یک طرف محافل قدرتمندی در ایران ورود سرمایه‌های خارجی را مانعی برای سودهای انحصاری خود می‌یابند و از طرف دیگر مداخلات نظامی ایران در منطقه و در سایر نقاط جهان به هیچ وجه مورد رضایت نظام سرمایه داری نیست.

بسیاری از کشورها و موسسات اقتصادی آنها و بانک‌ها از سرمایه گذاری در کشوری که به لحاظ حقوق بشری بدنام باشد، اجتناب می‌کنند. این امر نه به خاطر دلسوزی برای انسانیت و دفاع از حقوق محرومان و زحمتکشان و غیره است، بلکه این تفسیر حقوق بشری مشخصاً با امنیت سرمایه سر و کار دارد. به عنوان مثال بدترین اعمال و حرکات ضد بشری در عربستان پذیرفته می‌شود و چندان اهمیت ندارد که زنان در آن جا حق رانندگی نداشته باشند و گردن زدن انسان‌ها و شلاق زدن و چندمسری و غیره همه با دیده اغماض نگریسته می‌شود اما در کشوری مثل ایران این مسئله اهمیت زیادی می‌یابد، زیرا که این اعمال به نارضایتی عمومی و نفرت از حکومت تبدیل می‌شود. و در نتیجه سرمایه‌ها امنیتشان را از دست می‌دهند و آینده ای ندارند. یا آنکه آزادی روزنامه‌ها و کتاب و یا سانسور در کشوری مانند نیجریه آنقدر اهمیت ندارد که مثلاً در کشوری همانند ایران و ترکیه. زیرا که این مسائل در آن کشور آن چنان اعتراضاتی را بر نمی‌انگیزد و در آنجا مسائل دیگری وجود دارد که امنیت سرمایه را به مخاطره می‌اندازد.

دهها و صدها نهادهای حقوق بشری و نهادهای ان جی او ای با کمک‌های مالی موسساتی همانند خانه آزادی. اقتصاد باز جرج سوروس و ان ای دی و غیره در باره کشورها مطالعه می‌کنند و گزارش تهیه می‌کنند و روشنفکران واداده را به استخدام در می‌آورند تا گزارش‌های مشخصی از کشورهای مختلف داشته باشند که بدانند امنیت سرمایه در هر کشوری چگونه تامین می‌شود.

ایران از نظر سرمایه جهانی کشوری است که به دلیل تعداد تحصیل کرده و تعداد مهاجر در کشورهای غربی، تعداد افراد باسواد و سابقه مبارزات مردمی، اگر درجه ای از آزادی‌های اجتماعی مورد نظر سرمایه را رعایت نکند، مکان امنی برای سرمایه گذاری نخواهد بود. این بن بست است که برجام را با سرانجامی مبهم مواجه می کند. بن بست است که خود نظام سرمایه داری با تقویت بنیادگرایی که به نیروی آن برای مقابله با گرایش‌های ضد غربی در منطقه نیاز داشت، برای خود بوجود آورد.

اما اگر همین استانداردهای حقوق بشری را شیخ نشن‌ها و عربستان و...و یا دیگر کشورها رعایت نکنند و بسیار هم عقب مانده تر از آن باشند باز هم امنیت سرمایه به خطر نمی افتد زیرا که پتانسیل مبارزاتی در آن کشورها متفاوت است و...

نگاهی به مبارزات مردم ایران و مثلاً عربستان این تفاوت را نشان می‌دهد، تفاوتی که نمی‌تواند از دید تیزبین نهادهای پیش گفته نظام سرمایه داری به دور باشد. زندانیان مخالف و سیاسی در ایران فعالان کارگری و معلمان و دانشگاهیان وابستگان نحله‌های سیاسی مختلف هستند؛ اما در عربستان بیشترین تعداد مبارزان را شیعیان آن کشور تشکیل می‌دهند. این امر برای نهادهای سرمایه داری و به خصوص نهادهای ایدئولوژیک آن دو مفهوم متفاوت دارد. به همین جهت امنیت سرمایه و حقوق بشر در آن دو مفهوم متفاوت است. درک این مسائل برای مبارزان کارگری و اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است.

حقوق و مزایای چند صد میلیونی در ایران برای مدیران بانک‌ها و بیمه‌ها و سایر مدیران دولتی همراه با اختلاس‌های چندین میلیاردی، هر چند که دل سرمایه داران جهانی را به آب می‌اندازد اما با تجربه ای که نهاد های سرمایه داری از کشورهای مشابه دارند، هیچ گونه امنیتی برای سرمایه به ارمغان نمی آورد زیرا که در کنار این چپاول، فقر و محرومیت بیش از نیمی از جمعیت کشور امنیت همان سرمایه‌ها را به مخاطره می‌اندازد. و این جاست که چون امنیت همان سرمایه‌ها به خطر می‌افتد وجدان حقوق بشری هم به جوش می‌آید.

اشکال اصلی در آن است که دولتمردان در راه اندازی اقتصاد تنها به منافع حقیر و پور سانت‌های خود می‌اندیشند و در این مورد هیچ جایگاهی برای کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم قائل نیستند. این امری است که سرمایه داران عقب مانده نمی‌فهمند. اما سرمایه داران دور اندیش به آن فکر می‌کنند. این امری است که فعالان کارگری و اجتماعی باید بیش از همه به آن توجه کنند. هر چند که ما سرمایه داری و نظام آن را می‌شناسیم. دل بر تضادهای داخلی آن نمی‌بندیم. زیرا که هر گاه در برابر کارگران و زحمتکشان قرار بگیرند

متحدانه از نظام بهره کشی خود دفاع می کنند . اما درک تضادهای درونی آن برای برنامه و عمل جنبش کارگری و اجتماعی ضروری است.